

### متن پرسش

سلام علیکم: سوالی داشتم خدمتتون. سوال: شما در بحث هدف زمینی آدم (ع) فرمودید که امتثال ملائکه برای سجده بر آدم و در مقابل آن تمرد شیطان از سجده همه اموری تکوینی بودند. سوالات: ۱. اگر وجود شیطان طوری بود که تکویناً مخالف وجود انسان بود پس چرا خداوند او را امر به سجده کرد چرا که این کار او از سر تشریح و اراده نبوده بلکه امری وجودی بوده است. علاوه بر این ظاهر آیات این را می‌رساند که شیطان تشریحاً این کار را انجام نداد و نه تکویناً (۱۲/اعراف) زیرا خودش می‌گوید چون من از او برتر هستم سجده نکردم. او نگفت که من وجوداً با او مخالف هستم. ۲. اگر این امر خداوند امری مولوی نباشد و همان طور که فرمودید عصیانی به دنبال نداشته باشد پس چگونه خداوند سبحان شیطان را مطرود از درگاه خود اعلام کرد، زیرا در این صورت او اصلاً گناهی نکرده است؟ ۳. علاوه بر این شما فرمودید که شیطان بنیانا در مقام عصیان است، اگر چنین است پس چطور آن همه سال خداوند را عبادت کرد در حالی که بنیانا عصیان کار است، و اصلاً آیا ممکن است خداوند موجودی را بنیانا عصیان کار خلق کند؟ با تشکر از وقتی که می‌گذارید. یا علی.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- منظور علامه طباطبایی از آن جمله آن است که خداوند چنین بستری را تکویناً فراهم کرد ولی شیطان خودش با انتخاب خود شیطان شد. عیناً در مقابل این امر، طهارت تکوینی اهل‌البیت «علیهم‌السلام» را دارید که آن طهارت تکوینی، انتخاب را از آن‌ها نمی‌گیرد و آن‌ها هستند که باید آن را حفظ کنند ۲- وقتی گفته می‌شود حکمی ارشادی است، یعنی آثار آن به طور مستقیم به خود طرف برمی‌گردد مثل آن‌که به کودکی بگوییم نزدیک بخاری نشود، وگرنه می‌سوزد ۳- شیطان کاری کرد که بنیانش بدی شد و اراده کرد و قسم خورد که بندگان خدا را گمراه کند. و به این معنا می‌توان گفت بنیان او عصیان است. موفق باشید